

## **Economics and Human Rights in the Eastern Approach**

**Mohammad Reza Nilforoushan<sup>1</sup>, Suhaileh Kazem Jasem Al-Saadouni<sup>2</sup>,  
Tahereh Sadat Naimi<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> Assistant Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Info.nilforoushan@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Future University, Iraq. suhaileh.kadhim.jasim@uomus.edu.iq

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (**Corresponding author**). naimi.sadat@iau.ac.ir

### **Abstract**

The aim of the current research is to examine economics and human rights in the Eastern approach. Here, with the aim of identifying the most important fundamental components of a healthy economy from the perspective of the Eastern approach, the method of thematic analysis or content analysis has been used. The results showed that economics and economic security, in the lime light of the Eastern approach, by considering just governance, training capable human resources and managers, the permeation of a culture of commitment, innovation, effort, and solidarity to achieve a strong economy, notice all dimensions of sustainable development, including the economic, cultural, environmental, and social dimensions, and make optimal use of domestic and foreign potentials. It is in the light of these components that human rights are naturally respected, and society will move towards balance, equilibrium, and sustainable growth. Eastern countries, by utilizing the Eastern approach, have demonstrated this capability and can achieve significant economic security through long-term planning and commitment to micro and macro goals of sustainable development. Investing in research and development and using advanced technologies makes Eastern countries have had the economic power to compete with the global and Western community. Since one of the high indicators of the Eastern approach in the field of economics is the training of skilled and educated human resources, the goals on the basis of creating and strengthening economic security can be achieved by training creative and efficient forces. Such a characteristic is evident in countries like South Korea and Singapore in today's world. In the light of establishing transparent institutions and efficient governance, public trust is attracted, and foreign investment is attracted, and in this way, a country with such a characteristic will gradually become a global model. In the light of the expansion of commercial relations and participation in global markets, economic growth is accelerated, and the necessary

---

**Cite this article:** Nilforoushan, M.R., Jasem Al-Saadouni, S.K. & Naimi, T.S. (2024). Economics and Human Rights in the Eastern Approach. *Philosophy of Law*, 3(2), p. 41-58. <https://doi.org/10.22081/PHLQ.2025.71356.1104>

**Received:** 2024-03-30 ; **Revised:** 2024-05-07 ; **Accepted:** 2024-05-27 ; **Published online:** 2024-09-23

© The Author(s).

**Article type:** Research Article

**Publisher:** Baqir al-Olum University



conditions for better competition and export of products increase. Moreover, economic facilitation is provided in the view of observing the components of a healthy and strong economy. This power can be provided in agriculture and food security for all people.

**Keywords:** Eastern Approach, Eastern Civilization, Human Rights, Economic Justice, Economic Security.

## اقتصاد و حقوق بشر در رهیافت شرقی

محمد رضا نیلفروشان<sup>۱</sup>، سهیله کاظم جاسم السعدونی<sup>۲</sup>، طاهره سادات نعیمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. [Info.nilforoushan@gmail.com](mailto:Info.nilforoushan@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه المستقل، عراق. [suhaila.kadhim.jasim@uomus.edu.iq](mailto:suhaila.kadhim.jasim@uomus.edu.iq)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). [naimi.sadat@iau.ac.ir](mailto:naimi.sadat@iau.ac.ir)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اقتصاد و حقوق بشر در رهیافت شرقی است. در این پژوهش با هدف شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های اساسی اقتصاد سالم از منظر رهیافت شرقی، از روش تحلیل مضمون یا تحلیل موضوعی یا تحلیل تماتیک استفاده شده است. نتایج نشان داد که، اقتصاد و امنیت اقتصادی در پرتو رهیافت شرقی، با در نظر گرفتن حکمرانی‌های عادلانه، آموزش نیروهای انسانی و مدیران باکفایت، رسوخ فرهنگ تعهد، نوآوری، تلاش و همبستگی برای به دست آوردن اقتصاد قدرتمند به همه ابعاد توسعه پایدار مشتمل بر بُعد اقتصادی، فرهنگی، محیط زیست و بُعد اجتماعی، اهتمام می‌ورزند و از پتانسیل‌های داخلی و خارجی، استفاده بهینه می‌نمایند. در پرتو این مؤلفه‌ها است که حقوق بشر به صورت طبیعی رعایت شده و جامعه به سمت تعادل، توازن و رشد پایدار پیش خواهد رفت. کشورهای شرقی با بهره‌گیری از رهیافت شرقی، این توانمندی را از خود بروز داده‌اند و می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های طولانی و متعهد شدن به اهداف خرد و کلان توسعه پایدار به امنیت اقتصادی قابل توجهی دست یابند. سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، کشورهای شرقی را دارای قدرت اقتصادی جهت رقابت با جامعه جهانی و غربی می‌سازد. از آنجا که یکی از شاخص‌های مهم رهیافت شرقی در حیطه اقتصاد، تربیت نیروهای انسانی ماهر و آموزش دیده است، با تربیت نیروهای خلاق و کارآمد می‌توان به اهداف مبتنی بر ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی دست یافت. چنانچه در جامعه امروز، در کشورهایی مانند کره جنوبی و سنگاپور، چنین خصوصیتی مشهود است. در پرتو ایجاد نهادهای شفاف و حکمرانی کارآمد، اعتماد عمومی جذب شده و سرمایه‌گذاری خارجی جذب می‌شود و از این طریق، کشوری که چنین خصوصیتی داشته باشد، به تدریج به الگوی جهانی تبدیل خواهد شد. در پرتو گسترش ارتباطات تجاری و مشارکت در بازارهای جهانی، رشد اقتصادی تسریع می‌شود و زمینه‌های لازم جهت رقابت بهتر و صادرات محصولات افزایش می‌یابد. تسهیل اقتصادی در پرتو رعایت مؤلفه‌های اقتصاد سالم و قدرتمند فراهم می‌شود. چنانچه در کشاورزی و امنیت غذایی آحاد مردم می‌توان این قدرت را فراهم ساخت.

**کلیدواژه‌ها:** رهیافت شرقی، تمدن شرقی، حقوق بشر، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی.

استاد به این مقاله: نیلفروشان، محمد رضا؛ جاسم السعدونی، سهیله کاظم؛ سادات نعیمی، طاهره (۱۴۰۳). اقتصاد و حقوق بشر در رهیافت شرقی. *فلسفه*

*حقوق*، ۲۳(۲)، ص ۲۸۰-۲۸۸. <https://doi.org/10.22081/PHLQ.2025.71356.1104>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

حقوق بشر با داشتن پیشینه‌ای قدیمی و مفهوم جهانی و گسترده همراه با دارا بودن قدمتی قابل توجه، توسط فلاسفه قدیم و متفکران از سال‌های دور جمع‌آوری شده و با وجود برخی نقاط ضعف، از جانب بیشتر کشورهای متمدن در جهان امروز، مورد پذیرش قرار گرفته است. با وجود این، در گستره دانش جامعه‌شناختی، به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها برای انسان‌ها - بلکه تمامی انسان‌ها - اشاره می‌کند که به صورت اصل و در حقیقت، بالذات و اصالتاً برای همهٔ آحاد افراد به رسمیت شناخته می‌شود. از این نظر است که به بشر اختصاص دارد و دارای خصوصیت‌های قابل توجهی، مانند ذاتی بودن اختصاص مندی آن به انسان‌ها است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). در حقیقت، مهم‌ترین خصوصیت حقوق بشر، همه‌گیر بودن و ذاتی بودن آن است؛ به این معنا که بین همهٔ انسان‌ها مشترک است و هیچ‌کس نمی‌تواند عملاً فاقد آن باشد و ثانیاً، به شکل ذاتی و طبیعی به آحاد انسان‌ها تعلق دارد. به طوری که این توانایی را به اشخاص اعطاء می‌کند که به گونه‌ای ویژه و منفرد مالک آن باشند. لذا، معنای سودبری یا منفعت‌گیری نیز از آن به ذهن متبادر می‌شود. همچنین، نمی‌تواند به صورت انتخابی مورد نقض قرار بگیرد. لذا، غیرقابل تکلیف است؛ اگرچه در برخی مناطق و کشورها ممکن است ضمانت اجرای ضعیفی داشته باشد. مضافاً اینکه در کشورهای مختلف از جمله کشورهای شرقی، با تفسیرها و رویکردهای متفاوتی مواجه است. رهیافت شرقی به حقوق بشر می‌تواند تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاصی را بر این مفهوم بگذارد. اقتصاد، دانشی است که به مطالعهٔ انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در شرایط کمبود منابع می‌پردازد. این دانش، به دنبال درک چگونگی تخصیص منابع برای تأمین نیازها و خواسته‌های افراد و جوامع است و نقش کلیدی در بهبود رفاه و کیفیت زندگی ایفا می‌کند. به دیگر بیان، اقتصاد<sup>۱</sup> به عنوان یک علم اجتماعی، در حقیقت به مطالعهٔ چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات آن در گسترهٔ جامعه می‌پردازد. این علم به دنبال درک این نکته است که افراد، بنگاه‌ها، دولت‌ها و جوامع چگونه منابع محدود خود را برای تأمین نیازها و خواسته‌های نامحدود خود تخصیص می‌دهند. به طوری که علم اقتصاد، روش‌های مختلفی را بررسی می‌کند تا بتواند با به کار بردن منابع کمیاب و محدود در جامعه، برای تولید انواع کالاها و خدمات، با هدف تأمین بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود افراد جامعه به رشد مطلوب برسد (نخعی اغمیونی و نجارزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲-۹۳). اقتصاد همچنین، به تحلیل رفتارهای اقتصادی و تأثیرات آنها بر رفاه جامعه می‌پردازد. موضوع اقتصاد، «ثروت» است که شامل: کالاها، خدمات و منابع می‌باشد. این ثروت براساس تولید، توزیع و مصرف آن، شکل می‌گیرد. لذا درحقیقت، اقتصاد، مطالعهٔ انتخاب‌هایی است که افراد و جوامع در شرایط کمبود منابع انجام می‌دهند. از آنجا که منابع (مانند زمان، پول، مواد اولیه و نیروی کار) محدود هستند؛ اما نیازها و خواسته‌های انسان نامحدودند، اقتصاد به دنبال

پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان این منابع را به بهترین شکل ممکن تخصیص داد، تا بیشترین رفاه و بهره‌وری حاصل شود. از سوی دیگر، رهیافت شرقی<sup>۱</sup> مترادف با رویکرد، شیوه یا نگرش شرقی که در مجموعه‌ای از فرهنگ‌های شرقی و تمدن‌های پدیدار شده در خاورمیانه خصوصاً در قاره آسیا ساختار یافته، می‌تواند با فرهنگ‌های شرق آسیا مانند کشورهای کره، چین و ژاپن و جنوب آسیا مانند کشورهای پاکستان و هندوستان، ارتباط ساماننداری داشته باشد.

## ۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر با هدف شناسایی مهم‌ترین مولفه‌های اساسی اقتصاد سالم از منظر رهیافت شرقی، از روش تحلیل مضمون یا تحلیل موضوعی یا تحلیل تماتیک، که از رایج‌ترین و پرکاربردترین شیوه‌ها است، استفاده شده است؛ که به‌عنوان شیوه‌شناسی، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی شناخته می‌شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). در این شیوه، هدف فرآیند تحلیل و بررسی داده‌های متنی، مشخص کردن داده‌های تفصیلی و کاربردی از میان داده‌های پراکنده و گوناگون است؛ زیرا آنچه اهمیت دارد، این است که تحلیل مضمون، فرآیندی است که قابلیت کاربرد در بیشتر شیوه‌های کیفی را دارد. به بیانی دیگر، تحلیل مضمون به خودی خود، شیوه‌ای مستقل و تحلیلی است که قابلیت به کاربرد در شیوه‌های تحلیلی دیگر را نیز دارد. پژوهشگر در این شیوه، از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد؛ به این معنا که در وهله اول، داده‌های خود را شناسه‌گذاری می‌نماید و پس از آن، تحلیل داده‌ها را دنبال می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که داده‌ها گویای چه چیزی هستند؟ (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۶۶-۶۷). همچنین، شیوه‌ای است برای شناخت، تشریح و گزارش الگوهایی در میان داده. در تحلیل مضمون، حداقل کار، سازمان بخشیدن و توصیف مجموعه‌ای از داده‌های پژوهش به تفصیل‌های غنی شده است؛ اگرچه در برخی مواقع، از این امر هم فراتر می‌رود و در تحلیل مضمون، می‌توان به شرح جنبه‌های مختلف از موضوع تحقیق دست یافت (Braun & Clarke, 2006, p. 7-8). لذا، پژوهش حاضر با شیوه مذکور، تحلیل مجموعه‌ای از تفکرات فلسفی مندرج در رهیافت‌های شرقی، مبانی اخلاقی و عملکردی حقوق بشر را در قالب‌بندی‌های اخلاقی - منطقی همراه با تبیین چالش‌ها و راهکارهای مترتب بر آن، مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌دهد.

## ۳. شناخت مفاهیم بنیادین پژوهش

در شناخت مفاهیم بنیادین پژوهش، به تبیین مختصر مفاهیم محوری و مرتبط با پژوهش پرداخته می‌شود:

### ۳-۱. حقوق بشر و مختصات آن

حقوق بشر،<sup>۱</sup> ترکیبی اضافی از دو واژه «حقوق» و «بشر» است. فارغ از تنوع معنایی واژه «حقوق» و واژه «بشر» که تعریف آن از جمله اولیات و بدیهیات است، حقوق بشر به مجموعه‌ای از مزیت‌ها، آزادی‌ها و اختیارات برای همهٔ افراد، بدون هیچ‌گونه استثناء و تبعیضی اطلاق می‌شود؛ که مشتمل بر تمامی حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و هدف اساسی آن، تأمین و احتفاظ کرامت و احترام ذاتی، آزادی و برقراری عدالت فطری برای همه بشر است. لذا، شامل خصوصیت فطری بودن، عام‌الشمول بودن، غیرقابل انتقال بودن و همه‌جانبه بودن (زندگی، آزادی بیان، حق رأی دادن، تحصیل، کار، بهداشت و سلامت و...) می‌شود (فلسفی، ۱۳۷۴، ص ۹۵). در این حیطه، منشور ملل متحد، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر<sup>۲</sup> و تکوین سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، با تدوین و ارائهٔ میثاق‌نامه‌ها، کنوانسیون‌ها و مواد قانونی ناظر به حقوق بشر به‌عنوان استاندارد جهانی، به معرفی مصادیق حقوق بشر پرداخته‌اند (گلن، ۱۳۷۸، ص ۸۷-۸۸).

### ۳-۲. رهیافت شرقی<sup>۳</sup> و عناصر ذاتی آن

رهیافت شرقی، ترکیب وصفی از دو واژه «رهیافت» و دارای ویژگی شرقی بودن است. «رهیافت» در گستره لغت، به معنای «رویکرد، روش، نگرش، پایه یا زیرساخت فکری انجام هر عملکردی» است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۴۲۲). لذا، «رهیافت شرقی» به مجموعه‌ای از تفکرات و فلسفه‌ها اشاره می‌کند که در قالب تمدن شرقی و فرهنگ‌های ناحیهٔ شرق جهان، خصوصاً در قاره آسیا گسترش یافته‌اند. منشأ و تراکم این تفکرات و فرهنگ‌ها، غالباً در جنوب آسیا مانند کشورهای پاکستان و هندوستان، و شرق این قاره مانند کره، چین و ژاپن است. به بیان دیگر، «رهیافت شرقی» یک مفهوم کلی است که به تفکرات، فلسفه‌ها و رویکردهای فرهنگی مرتبط با کشورهای آسیایی اشاره دارد. این رهیافت معمولاً بر پایهٔ ارزش‌ها، باورها، و اصولی است که در تاریخ و فرهنگ‌های شرقی شکل گرفته‌اند. رهیافت مذکور، این قابلیت را دارد که ابعاد گوناگونی مانند هنر، علوم انسانی، دین و فلسفه را تحت پوشش قرار دهد. مشخصهٔ مهم رهیافت شرقی، رسوخ فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مشرق‌زمین در تاروپود تفکرات مبتنی بر آن است. استقراء مجموعه تمدن‌های شرقی در مشرق‌زمین، حاکی از وجود خصوصیات منحصر به فردی در رهیافت شرقی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1. Human rights

۲. این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ در قصر شایلو شهر پاریس، با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بدون مخالف به تصویب رسید و دارای یک مقدمه و ۳۰ ماده است.

<https://www.un.org>

3. Eastern approach

**اخلاق حسنه یا رفتار معتدلانه:** در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، اصول اخلاقی و رفتار مناسب در تعاملات انسانی و روابط اجتماعی بسیار مهم است و به‌عنوان مبنای زندگی سالم و پایدار در نظر گرفته می‌شود. چنانچه فلسفه بعثت پیامبر(ص)، احیای مکارم اخلاقی یا خلیقات حسنه معرفی شده است (مجلسی، بی تا، ج ۶۸، ص ۳۸۲، ۳۷۳).<sup>۱</sup> به‌عنوان مثال، استقراء در مجموعه روایات معصوم، حاکی از خصوصیات ارزشمندی در انسان است که به‌عنوان مکارم اخلاقی لازم برای یک انسان واقعی معرفی شده است. به‌گونه‌ای که لازم است با داشتن این خصوصیات اخلاقی، مایه زینت پیروان معصوم باشد (مجلسی، بی تا، ج ۷۴، ص ۱۵۶-۱۵۸). برخی از مهم‌ترین این خصوصیات عبارتند از: تقوا، قناعت، صبر، شکر، حلم، حیا، سخاوت، شجاعت، غیرت، نیکوکاری، راستگویی و ادای امانت؛ که افزون‌بر وجود این خصوصیات در معصوم، بی تردید، راهکارهای رسیدن به این خصوصیات نیز باید در منطوق یا مفهوم سخنان معصوم، وجود داشته باشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۴۴۱-۴۴۸).

**آرامش درون یا مدیتیشن ذهنی:** تمرینات ذهنی مانند یوگا و مدیتیشن، در فرهنگ شرقی به‌عنوان راه‌هایی جهت رسیدن به آرامش درون و فهم قوی‌تر و عمیق‌تر نسبت به وجود انسان شناخته می‌شوند (گوان، ۱۳۷۳، ص ۵-۶).

**ترجیح جمع در تراحم با فرد:** در این رهیافت، آنچه که اهمیت دارد، ترجیح جمع بر فرد است. این امر، حاکی از اهمیت جامعه و ارتباطات انسانی است. لذا، ارزش‌های اجتماعی و لزوم همبستگی و اتحاد بین افراد در این تفکرات، دارای جایگاه پراهمیتی است. به‌گونه‌ای که جامعه، ولو خاص، مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، به‌طور کلی در رهیافت‌های شرقی مشتمل بر آیین‌های هندو، تائو و کنفوسیوس، جنبه محلی قدرتمند، به‌معنای ارتباط ویژه و پیوند وثیق با یک جامعه خاص، مشهود است. در حقیقت، می‌توان آیین هندو را به‌عنوان یک آیین انفکاک‌ناپذیر از جامعه هند و آیین کنفوسیوس، و تائو را به‌عنوان آیین‌های انفکاک‌ناپذیر از جامعه چین در نظر گرفت و در این حیطه، آیین کنفوسیوس، محدود شدن یک رویکرد عقیدتی به یک جامعه خاص را مورد تأکید قرار می‌دهد، و از طریق تحمل و مدارا کردن با اشکال متعدد آیین‌های تائویی و بودایی، مورد تفسیر قرار می‌گیرد (Scharf, 1973, p. 38, 45).

**تقویت معنویت و معنایابی زندگی:** در فرهنگ شرقی، توجه ویژه به معنویت و بُعد معنوی انسان، دارای اهمیت به‌سزایی است. معنویت، برگرفته از کلمه لاتین «اسپریتوس» مترادف با معنای تنفس، در واقع، محدوده‌ای گسترده‌تر از معنای مذهب یا تفکر خاص دارد و به‌معنای تعالی روح و ارتقای آن به‌گونه‌ای پویا، شخصی و تجربی است (Balboni & et al., 2007, p. 110). به‌طوری که به‌معنای آگاهی از یک نیروی فراتر از بُعد مادی زندگی انسانی است و نوعی احساس عمیق از ایجاد وحدت یا پیوند یافتن

۱. «بُعْثُ لَأْتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

با کائنات را پدیدار می‌سازد (Muller, 2001, p. 1228). یکی از مشخصه‌های اندیشه مبتنی بر معنویت، ترجیح اصل سنت است؛ به معنای معنویت و رستگاری و رهایی از طریق سنت صرف. در این اندیشه، سنت<sup>۱</sup> به معنای مجموعه حقایق یا اصولی است که دارای منشأ الهی باشند و از طریق شخصیت‌های مختلف و معروف به پیامبران و رسولان، اوتاره تاره‌ها، لوگوس یا دیگر عوامل انتقال، برای انبای بشر، و در حقیقت برای یک بخش کامل کیهانی، آشکار شده و نقاب از چهره آنها برداشته شده است. این معنویت، معادل دین بوده و در واقع به معنای همان اصولی است که از جهان علوی بر افراد ممتاز وحی شده و انسان را به مبدأ خویش متصل می‌سازد. چنین معنویتی از درون سنت به دست می‌آید و معادل همان حکمت جاویدان است که در منطق هر دینی مستقر شده و نوعی سوفیا و حکمت را مشتمل می‌شود. در این نوع معنویت است که انسان‌ها همگی به لحاظ انسان بودن، فطرتاً و ذاتاً خیر و خوب می‌باشند و همگی از مواهب مخصوصی برخوردار هستند؛ زیرا این انسان است که واجد قدرت استدلال و تعقل بوده و می‌تواند اختیار یا گزینش داشته باشد (وال و ورنو، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲).

بنابراین، معنویت و در نتیجه آن معنایابی زندگی، یکی از اهداف مهم این فرهنگ‌ها است. به عنوان مثال، در فلسفه‌های چینی مانند کنفوسیوس و تائوئیسم، هماهنگ شدن با طبیعت و داشتن زندگی ملایم و مطابق با اصول اخلاقی از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین تعالیم مذهبی مانند تائوئیسم، بودیسم، هندوئیسم و دیگر ادیان شرقی نیز بر این بُعد از ابعاد وجودی انسان تأکید می‌نمایند. اگرچه نقطه مشترک در این هماهنگی، تأمل در شهود درونی است؛ که به عنوان نوعی هدایت‌گر، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در نگرش انسان‌گرایانه معنویت هندوئیسم، بر این نکته نیز تأکید شده که کافی است ما در خیال خود آنچه را می‌خواهیم تجسم کرده و نسبت به آن باور داشته باشیم؛ نیروهای درونی، عملاً ما را به سوی آنچه که طلب کرده‌ایم، هدایت خواهند کرد. لذا، برای عملی شدن هر طرح درونی، چهار مرحله را لازم می‌دانند: هدف مورد نظر تعیین شود. آرمان یا تصویری واضح از هدف در ذهن نقش بسته شود. تمرکز لازم در بیشتر مواقع صورت گیرد و به آن انرژی مثبت اعطاء گردد و برای رخداد این مراحل، لازم است حالت مدیتیشن یا وضعیت آلفا وجود داشته باشد (گواپن، ۱۳۷۱، ص ۱۹-۲۰). معنویت در این رهیافت، مشابه رهیافت دیگری به شکلی متمایز موسوم به «رهیافت وجودی»<sup>۲</sup> است؛ که به ساحت‌های احساسی و عاطفی و روانی افراد توجه می‌کند. به این معنا که معنویت را به معنای احساس و عاطفه‌ای که فرد از رخدادها و پدیده‌های اطراف خود به دست می‌آورد، تلقی می‌نماید. این حس معنوی، در برخی مواقع معادل با دینداری مرسوم معنویت نیست؛ بلکه فرد در درون خویش حس گناه یا ثواب دارد و به جنبه‌های تقلیدی یا تبدلی و عبادی دین نمی‌نگرد و اگر هم به این جنبه‌ها توجه کند،

1. Tradition

2. Exestanseal



اهتمام او در غالب مواقع، به عملکردهای روانشناختی و انسان‌گرایی است (وال و ورنو، ۱۳۷۲، ص ۱۲۲-۱۲۵).

### ۳-۳. اقتصاد و مقومات آن

اقتصاد<sup>۱</sup> به‌عنوان یک علم اجتماعی، در حقیقت به مطالعهٔ چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات آن در گسترهٔ جامعه می‌پردازد. این علم به دنبال درک این نکته است که افراد، بنگاه‌ها، دولت‌ها و جوامع، چگونه منابع محدود خود را برای تأمین نیازها و خواسته‌های نامحدود خود تخصیص می‌دهند. به‌طوری که علم اقتصاد، روش‌های مختلفی را بررسی می‌کند تا بتواند با به‌کار بردن منابع کمیاب و محدود در جامعه برای تولید انواع کالاها و خدمات، با هدف تأمین بیشتر و بهتر خواسته‌ها و نیازهای نامحدود افراد جامعه به رشد مطلوب برسد (نخعی و نجارزاده، ۱۳۸۲، ص ۹۲-۹۳). موضوع اقتصاد، «ثروت» است که شامل: کالاها، خدمات و منابع می‌باشد. این ثروت براساس تولید، توزیع و مصرف آن شکل می‌گیرد. لذا درحقیقت، اقتصاد مطالعهٔ انتخاب‌هایی است که افراد و جوامع در شرایط کمبود منابع انجام می‌دهند. از آنجا که منابع (مانند زمان، پول، مواد اولیه و نیروی کار) محدود هستند، اما نیازها و خواسته‌های انسان نامحدودند، اقتصاد به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان این منابع را به بهترین شکل ممکن تخصیص داد، تا بیشترین رفاه و بهره‌وری حاصل شود.

با توجه به تعاریف مذکور، می‌توان دو نکتهٔ مهم را دریافت کرد:

**نکتهٔ اول:** لازم است جامعه از منابع کمیاب یا اندک خود، استفادهٔ بهینه نماید.

**نکتهٔ دوم:** جوهر اصلی اقتصاد، آگاه شدن به حقیقت کمیابی است. لذا، باید کمیابی را شناخت و آن را به‌سوی مسیری که کارآمد و با استفادهٔ بهینه از منابع باشد، هدایت کرد.

اقتصاد به دو شاخهٔ اصلی تقسیم می‌شود:

**اقتصاد خرد:**<sup>۲</sup> این نوع اقتصاد، به بررسی و مطالعهٔ رفتارهای فردی واحدهای اقتصادی مانند خانوارها، بنگاه‌ها و بازارهای خاص می‌پردازد. اقتصاد خرد مشتمل بر عرضه، تقاضا، قیمت‌گذاری، رفتارهای مصرف‌کننده، تولید و رقابت در بازارها است (جاسبی، ۱۳۶۱، ص ۴).

**اقتصاد کلان:**<sup>۳</sup> این نوع اقتصاد، در واقع به مطالعهٔ عملکرد کلی اقتصاد در سطح ملی یا جهانی می‌پردازد. موضوعات اصلی اقتصاد کلان، شامل رشد اقتصادی، تورم، بیکاری، سیاست‌های پولی و مالی، و تجارت بین‌المللی است. مهم‌ترین مفاهیم کلیدی در اقتصاد که ارتباط ساماننداری با امنیت اقتصادی، اخلاق اقتصادی و رعایت اصول آن دارد، کمبود (به معنای محدود بودن منابع در مقابل نیازهای

---

1. Economics  
2. Microeconomics  
3. Macroeconomics

نامحدود است)<sup>۱</sup>، فرصت و هزینه (به معنای توجه به ارزشمندی بهترین گزینه‌ای که با انتخاب کردن یک گزینه از دست می‌دهیم)<sup>۲</sup>، عرضه و تقاضا (به معنای ارتباط بین مقدار کالا یا میزان خدمتی که تولیدکنندگان ارائه می‌دهند و مقداری که مصرف‌کننده‌ها آن را تقاضا می‌نمایند)<sup>۳</sup>، تعادل بازارها (به معنای نقطه‌ای که در آن عرضه و تقاضا با یکدیگر برابر می‌شوند و قیمت براساس تعادل، شکل می‌گیرد)<sup>۴</sup>، عدالت (به معنای توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع در جامعه) و کارایی (به معنای استفاده بهینه از منابع برای تکثیر تولید و رفاه)<sup>۵</sup> است. از اینجا است که نقش مهم اقتصاد در زندگی روزمره آشکار می‌شود. چراکه اقتصاد در همه ابعاد زندگی انسان‌ها نقش داشته است. تصمیمات شخصی، مانند خرید کالا و خدمات و تصمیمات بزرگ، مانند سیاست‌های خاص اقتصادی دولت، مرسوم نقش مهم اقتصاد است. به طوری که درک اصول و ضوابط اقتصادی به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا برنامه‌هایی جهت بهبود رفاه عمومی طراحی نمایند. مقومات اقتصاد به عواملی اشاره دارد که پایه‌ها و بنیان‌های اصلی یک سیستم اقتصادی را تشکیل می‌دهند و بدون آنها اقتصاد نمی‌تواند به درستی عمل کند یا توسعه یابد. این مقومات شامل منابع، نهادها، سیاست‌ها و شرایطی هستند که برای تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات ضروری‌اند.

برخی از مهم‌ترین مقومات اقتصاد عبارتند از:

#### - وجود سرمایه و منابع طبیعی در کشور

سرمایه شامل منابع مالی (مانند پول) و سرمایه فیزیکی (مانند ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌ها) است که برای تولید کالاها و خدمات استفاده می‌شود. سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها باعث افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. همچنین منابع طبیعی مانند زمین، آب، معادن، نفت، گاز و سایر مواد خام، پایه‌های اصلی تولید در اقتصاد هستند. این منابع برای تولید کالاها و خدمات ضروری بوده و مدیریت صحیح آنها برای توسعه پایدار اهمیت زیادی دارد.

#### - وجود نیروهای کار مناسب و زیرساخت‌های فیزیکی

نیروی کار، به معنای جمعیت فعال و توانمند یک کشور است که با مهارت‌ها و دانش خود در فرآیند تولید مشارکت می‌کنند. آموزش و بهبود مهارت‌های نیروی کار از جمله عوامل کلیدی در افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی است. زیرساخت‌های فیزیکی مانند جاده‌ها، پل‌ها، بنادر، شبکه‌های ارتباطی و انرژی برای تسهیل تولید و توزیع کالاها و خدمات، ضروری هستند. بدون زیرساخت‌های مناسب، فعالیت‌های

1. Scarcity
2. Opportunity Cost
3. Supply and Demand
4. Market Equilibrium
5. Equity, Efficiency

اقتصادی با اختلال مواجه می‌شوند.

#### - وجود فناوری‌های نوین و دانش

پیشرفت فناوری و دانش، نقش کلیدی در افزایش کارایی تولید، کاهش هزینه‌ها و ایجاد نوآوری در اقتصاد دارد. فناوری‌های جدید می‌توانند به بهبود فرآیندهای تولید و توسعه صنایع جدید کمک کنند.

#### - وجود امنیت و ثبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

ثبات سیاسی و امنیت، برای جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اعتماد و تضمین فعالیت‌های اقتصادی پایدار ضروری است. نبود امنیت و ثبات می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و رکود اقتصادی منجر شود. همچنین فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی نیز می‌توانند بر رفتارهای اقتصادی تأثیر بگذارند. عواملی مانند روحیه کارآفرینی، صداقت در معاملات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌توانند به بهبود عملکرد اقتصاد کمک کنند.

#### - وجود نهادها و سیاست‌های مفید اقتصادی

نهادها و سیاست‌های اقتصادی (مانند بانک‌ها، بازارهای مالی و سازمان‌های تجاری) و نهادهای سیاسی (مانند دولت و قوانین) برای ایجاد ثبات، اعتماد و امنیت در اقتصاد ضروری هستند. این نهادها قوانین و مقرراتی را ایجاد می‌کنند که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم و تسهیل می‌نمایند. بازارها به‌عنوان مکانیسم‌های هماهنگ‌کننده عرضه و تقاضا عمل می‌کنند. بازارهای کارآمد، به تخصیص بهینه منابع و تعیین قیمت‌ها کمک می‌کنند و نقش کلیدی در عملکرد اقتصاد دارند. سیاست‌های اقتصادی دولت، مانند سیاست‌های پولی، مالی و تجاری، نقش مهمی در تنظیم و هدایت اقتصاد دارند. این سیاست‌ها می‌توانند بر تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و توزیع درآمد تأثیر بگذارند. در نتیجه، می‌توان بر این نکته تأکید کرد که به‌طور کلی مقومات اقتصاد، مجموعه‌ای از عوامل مادی و غیرمادی هستند که برای عملکرد صحیح و توسعه یک سیستم اقتصادی ضروری‌اند. این عوامل در تعامل با یکدیگر قرار دارند و بهبود هر یک از آنها می‌تواند به رشد و پایداری اقتصاد کمک کند. بدون این مقومات، اقتصاد نمی‌تواند به اهداف خود مانند رفاه عمومی، کاهش فقر و توسعه پایدار دست یابد.

#### ۴. مؤلفه‌های اصلی اقتصاد قدرتمند در رهیافت شرقی

در واقع، اقتصاد از دید رهیافت شرقی، ترکیبی از جمع‌گرایی، نقش فعال دولت، توسعه پایدار، نوآوری، و توجه به فرهنگ و ارزش‌های سنتی است. این رویکرد با تأکید بر آموزش، فناوری، و همکاری‌های بین‌المللی، کشورهای شرقی را به الگوهای موفق اقتصادی تبدیل کرده است. این تجربیات می‌تواند برای سایر کشورها نیز الهام‌بخش باشد. با توجه به این خصوصیات، مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد قدرتمند در قالب بندی رهیافت شرقی عبارت است از:

**عدالت توزیعی:** عدالت توزیعی به معنای تحلیل چگونگی توزیع عادلانه منابع، درآمدها و فرصت‌ها در جامعه است. این نوع از عدالت در جست‌وجوی کاهش نابرابری‌ها و تضمین دسترسی همه افراد به نیازهای اساسی می‌باشد. این در حالی است که در ماده هفت اعلامیه جهانی حقوق بشر، صراحتاً تأکید شده که همه انسان‌ها در برابر قانون از برابری برخوردارند و بدون هیچ‌گونه تبعیضی این حق را دارند که از حمایت قانون به شکلی یکسان برخوردار باشند.<sup>۱</sup> لذا، می‌توان گفت، حقوق بشر عملاً بر توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها تأکید دارد و برابری همه افراد در مقابل قانون را تضمین می‌کند.

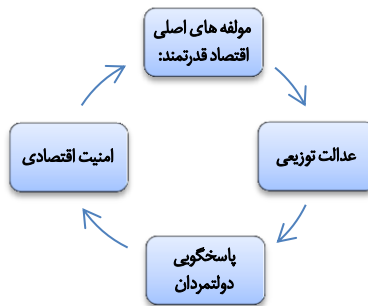
**امنیت اقتصادی:** امنیت اقتصادی به وضعیتی اشاره دارد که در آن، یک کشور یا جامعه از ثبات اقتصادی پایدار برخوردار باشد و توانایی مقابله با شوک‌های اقتصادی داخلی و خارجی را داشته باشد. این مفهوم، شامل اطمینان از دسترسی پایدار به منابع مالی، اشتغال، درآمد کافی برای افراد، و حفظ تعادل در بازارهای مالی و اقتصادی است. امنیت اقتصادی همچنین، به معنای توانایی یک کشور در حفظ رشد اقتصادی، کاهش فقر، و تضمین رفاه عمومی در بلندمدت است. عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی شامل سیاست‌های اقتصادی مناسب، مدیریت صحیح منابع، ثبات سیاسی، امنیت سرمایه‌گذاری، و توانایی مقابله با بحران‌هایی مانند تورم، بیکاری، و نوسانات بازارهای جهانی است. در سطح فردی، امنیت اقتصادی به معنای داشتن درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی و احساس اطمینان نسبت به آینده مالی است. در کل، امنیت اقتصادی یکی از ارکان مهم امنیت ملی محسوب می‌شود و نقش کلیدی در توسعه پایدار و رفاه جامعه ایفا می‌کند.

### ۵. پاسخگو بودن دولتمردان در مقابل آحاد جامعه

براساس ماده ۱۰ و ۱۳ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد، که یکی از اسناد قابل قبول در حقوق بشر است، دولت‌ها موظف به ارتقای شفافیت در اداره امور عمومی هستند. همچنین باید اجازه مشارکت به جامعه مدنی داده شود و مشارکت جامعه مدنی و دسترسی آنان به اطلاعات برای مبارزه با فساد، ضروری و لازم خواهد بود.<sup>۲</sup> بدین‌سان، دولت‌ها و نهادها مسئولیت دارند تا حقوق بشر را حفظ کرده و از نقض آن جلوگیری کنند. همچنین، افراد نیز در قبال عمل‌های خود مسئول هستند و موظف به شفافیت در فعالیت‌های دولتی و عدم سوءاستفاده از قدرت به منظور حفظ حقوق بشر و جلب اعتماد عمومی می‌باشند.

نمودار (۱) حاکی از وجود این مؤلفه‌ها و میزان تأثیرگذاری آنها در جهت ایجاد اقتصاد قدرتمند در پرتورهیافت شرقی است:

1. Article 7: All are equal before the law and are entitled without any discrimination to equal protection of the law. (Universal Declaration of Human Rights, 1948.)
2. Article 10: States are required to enhance transparency in their public administration. Article 13: The participation of civil society and access to information are essential for combating corruption.



نمودار ۱- مؤلفه‌های اساسی اقتصاد سالم

## ۶. مؤلفه‌های اساسی اقتصاد سالم از منظر رهیافت شرقی

اقتصاد از دید رهیافت شرقی، دارای خصوصیات و ویژگی‌های متمایزی است؛ که آن را از رهیافت‌های غربی متمایز می‌کند. این خصوصیات، ریشه در فرهنگ، تاریخ، فلسفه و تجربیات خاص کشورهای شرقی دارد. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد از دید رهیافت شرقی بررسی می‌شود:

**تأکید ویژه بر اجتماع و همبستگی اجتماعی در قالب ترجیح جمع بر فرد:** در رهیافت شرقی، منافع جمعی و اجتماعی بر منافع فردی اولویت دارد. این نگرش در سیاست‌های اقتصادی، مانند توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری‌ها منعکس می‌شود (Sikink, 2011). کشورهایی مانند چین و ژاپن با برنامه‌هایی مانند کاهش فقر و توسعه مناطق محروم، این رویکرد را عملی کرده‌اند.

**تأکید ویژه بر نقش و تأثیر عملکرد دولتمردان در اقتصاد:** دولت در اقتصاد شرقی، نقش فعال و راهبردی ایفا می‌کند. این نقش، شامل برنامه‌ریزی بلندمدت، تنظیم بازارها و سرمایه‌گذاری در بخش‌های استراتژیک است (حنا الفاخوری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۷۰۹-۷۱۰). به‌عنوان مثال، چین با استفاده از برنامه‌های پنج‌ساله و سیاست‌های صنعتی هدفمند، به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل شده است. اقتصاد شرقی از یک‌سو، به ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خود پایبند است و از سوی دیگر، از فناوری‌ها و روش‌های مدرن استفاده می‌کند (کینزلی، ۱۳۷۳). همچنین کشورهایی مانند سنگاپور و مالزی با حفظ هویت فرهنگی خود، به مراکز پیشرفته فناوری و مالی تبدیل شده‌اند. به‌عنوان مثال، میزان موفقیت کشورهایی مانند مالزی قابل توجه است. چراکه طبق بررسی‌های مرکز تجارت بین‌الملل در خصوص عملکرد تجاری کشورها، مالزی بر مبنای محاسبات شاخص‌های موفقیت نیز رتبه یازدهم را در سال ۲۰۰۳ به دست آورده است (گودزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۰۴).

**تأکید ویژه بر آموزش نیروی انسانی، قناعت، سادگی و اخلاق محوری:** در رهیافت شرقی، آموزش و پرورش نیروی انسانی ماهر و خلاق از اولویت‌های اصلی است. کشورهایی مانند کره جنوبی که یازدهمین اقتصاد بزرگ جهان است، به‌گونه‌ای عمل کرد که سیاست خویش را براساس تعلیم دقیق و تربیت افراد پرانگیزه، با اخلاق و باسواد قرار داد و این امر، موجب توسعه یا رشد اقتصادی در کشور

گردید.<sup>۱</sup> همچنین، سنگاپور با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های آموزشی پیشرفته، نیروی کار بسیار کارآمدی تربیت کرده است. اقتصاد شرقی، بر اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید می‌کند. در تفکر کنفوسیوسی، اخلاق و عدالت، نقش محوری در مدیریت اقتصاد و جامعه دارند. به‌عنوان مثال، کنفوسیوس بر این باور بود که حکمرانی خوب باید بر پایه اخلاق و خدمت به مردم استوار باشد. افزون‌بر این، در تفکرات شرقی مانند بودیسم و تائوئیسم، سادگی و قناعت به‌عنوان ارزش‌های مهم اقتصادی تلقی می‌شوند. به‌عنوان مثال، بودیسم بر رهایی از وابستگی به مادیات و کاهش مصرف تأکید می‌کند و اقتصاد شرقی، بر اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید می‌ورزد. همچنین، در پرتو تفکر کنفوسیوسی، اخلاق و عدالت نقش محوری در مدیریت اقتصاد و جامعه دارند. مثال: کنفوسیوس بر این باور بود که حکمرانی خوب باید بر پایه اخلاق و خدمت به مردم استوار باشد. به‌گونه‌ای که در حقیقت، رفتار اخلاقی و نیکوکارانه، پایه‌گذار جامعه‌ای باثبات و موفق است. ارزش‌هایی مانند «رابطه‌های انسانی» (رز) و «وفاداری»، زیرساخت‌های اخلاقی مناسبی برای حقوق بشر فراهم می‌کنند. در این راستا، حقوق بشر نه به‌عنوان حقوق فردی، بلکه به‌عنوان مسئولیت‌های متقابل افراد در جامعه دیده می‌شود (Scharf, 1973, p. 44).

**تأکید ویژه بر استفاده از نوآوری و تجارت در عرصه بین‌الملل:** اقتصاد شرقی بر نوآوری و استفاده از فناوری‌های پیشرفته تأکید می‌کند. این کشورها با سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیقاتی و توسعه، به رهبران جهانی در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، رباتیک و فناوری‌های سبز تبدیل شده‌اند. کشورهای شرقی با گسترش روابط تجاری و مشارکت در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی، نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال، چین با طرح‌هایی مانند «کمربند و جاده»،<sup>۲</sup> شبکه‌های تجاری و اقتصادی گسترده‌ای ایجاد کرده است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ارتباطات و انرژی، یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد شرقی است. این کشورها با ایجاد زیرساخت‌های مدرن، بستر لازم برای رشد اقتصادی را فراهم کرده‌اند.

**تأکید ویژه بر تلاشگری و ارتقای فرهنگ کارمحور:** بی‌تردید نقش فرهنگ کار در اعتلای حیات اجتماعی و فرهنگی، نقشی اجتناب‌ناپذیر است. چراکه کار، موجبات سعادت انسان را فراهم ساخته و نقش غیرقابل اجتناب آن در توسعه جامعه، غیرقابل انکار است. لذا، بی‌تردید جوامعی که قصد پیشرفت دارند، لازم است به دو عامل مهم کار و نیروی انسانی، توجه ویژه داشته باشند. فرهنگ کاری بالا با بهره‌وری و عملکرد شغلی ارتباط سامان‌داری دارد و لذا، افرادی که از فرهنگ کاری قابل توجهی برخوردارند، عملکرد آنان نیز بهتر و بالاتر خواهد بود (اقبال، ۱۴۰۰، ص ۹۸-۹۹). فرهنگ شرقی بر

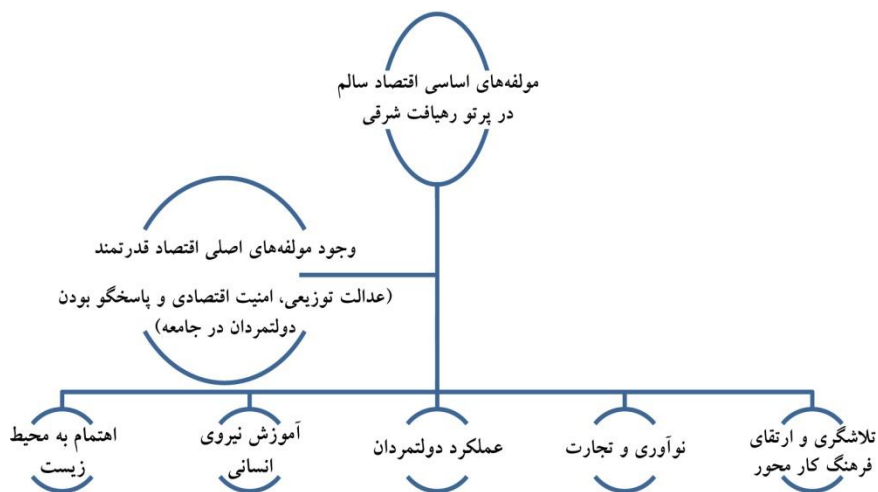
1. High performance, high pressure in South Korea's education system. ICEF.

2. Belt and Road Initiative

سخت‌کوشی، انضباط و تعهد به کار تأکید می‌کند. این ارزش‌ها در موفقیت اقتصادی کشورهایمانند ژاپن و کره جنوبی نقش مهمی داشته‌اند (پیرویان و همکاران، ۱۳۸۰).

**تأکید ویژه بر اهتمام به محیط‌زیست:** به‌طور کلی، اهتمام به محیط‌زیست به شکلی مستقیم و غیرمستقیم در مجموعه اسناد حقوق بشر بیان شده است. اگرچه در اسناد اولیه به صورت مستقیم بیان نشده است؛ با وجود این، در رویه‌های بعد از آن و سایر اسناد، محیط‌زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق ضروری بشر مانند حق سلامت، حق زندگی، آب و غذا شناخته شده است. به طوری که حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر شناخته می‌شود که حقوق همبستگی را تحت پوشش قرار می‌دهد. چنانچه اعلامیه استکهلم درباره محیط‌زیست انسان، در ضمن اصل اول خویش، انسان را برخوردار از حق بنیادین شرایط مناسب زندگی در محیط‌زیستی قرار می‌دهد که به او امکان زندگی با کرامت و رفاه را اعطا نماید.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، رهیافت شرقی بر توسعه پایدار تأکید می‌کند، به این معنا که رشد اقتصادی باید همراه با حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی باشد. کشورهایمانند ژاپن و کره جنوبی با استفاده از فناوری‌های سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر، به الگوهای جهانی در این زمینه تبدیل شده‌اند.

مؤلفه‌های اساسی اقتصاد سالم از منظر رهیافت شرقی در قالب نمودار (۲) آمده است:



نمودار ۲- مؤلفه‌های اساسی اقتصاد سالم در پرتو رهیافت شرقی

1. Principle 1: Man has the fundamental right to freedom, equality and adequate conditions of life, in an environment of a quality that permits a life of dignity and well-being.  
Stockholm Declaration on the Human Environment, 1972.

## ۷. نتیجه گیری

(۱) اقتصاد و امنیت اقتصادی در پرتورهیافت شرقی، با در نظر گرفتن حکمرانی‌های عادلانه، آموزش نیروهای انسانی و مدیران باکفایت، رسوخ فرهنگ تعهد، نوآوری، تلاش و همبستگی برای به دست آوردن اقتصاد قدرتمند به همه ابعاد توسعه پایدار مشتمل بر بُعد اقتصادی، فرهنگی، محیط زیست و بُعد اجتماعی، اهتمام می‌ورزند و از پتانسیل‌های داخلی و خارجی، استفاده بهینه می‌نمایند. در پرتو این مؤلفه‌ها است که حقوق بشر به صورت طبیعی رعایت شده و جامعه به سمت تعادل، توازن و رشد پایدار پیش خواهد رفت.

(۲) کشورهای شرقی با بهره‌گیری از رهیافت شرقی، این توانمندی را از خود بروز داده‌اند و می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های طولانی و متعهد شدن به اهداف خرد و کلان توسعه پایدار به امنیت اقتصادی قابل توجهی دست یابند.

(۳) سرمایه‌گذاری در تحقیقات و توسعه و استفاده از فناوری‌های پیشرفته، کشورهای شرقی را دارای قدرت اقتصادی جهت رقابت با جامعه جهانی و غربی می‌سازد.

(۴) از آنجا که یکی از شاخص‌های مهم رهیافت شرقی در حیطه اقتصاد، تربیت نیروهای انسانی ماهر و آموزش دیده است، با تربیت نیروهای خلاق و کارآمد می‌توان به اهداف مبتنی بر ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی دست یافت. چنانچه در جامعه امروز، در کشورهایی مانند کره جنوبی و سنگاپور، چنین خصوصیتی مشهود است.

(۵) در پرتو ایجاد نهادهای شفاف و حکمرانی کارآمد، اعتماد عمومی جذب شده و سرمایه‌گذاری خارجی جذب می‌شود و از این طریق، کشوری که چنین خصوصیتی داشته باشد، به تدریج به الگوی جهانی تبدیل خواهد شد.

(۶) در پرتو گسترش ارتباطات تجاری و مشارکت در بازارهای جهانی، رشد اقتصادی تسریع می‌شود و زمینه‌های لازم جهت رقابت بهتر و صادرات محصولات افزایش می‌یابد.

(۷) تسهیل اقتصادی در پرتو رعایت مؤلفه‌های اقتصاد سالم و قدرتمند فراهم می‌شود. چنانچه در کشاورزی و امنیت غذایی آحاد مردم می‌توان این قدرت را فراهم ساخت.

(۸) ارزش‌های دینی و اخلاقی مبتنی بر اهتمام و تلاش، احترام به هم‌نوعان، عدم اضرار به دیگران، مشارکت در امور اقتصادی و سایر امور، می‌تواند زمینه را برای امنیت اقتصادی بیشتر و بهتر فراهم سازد.



## منابع

- اقبال، اکرم (۱۴۰۰). بررسی مفهوم فرهنگ کار و ارائه راهکارهای ارتقای آن در سازمان‌ها. کار و جامعه، شماره ۲۵۲.
- پیرویان، ویلیام؛ رفیع‌فر، جلال‌الدین؛ رواسانی، شاپور (۱۳۸۰). فرهنگ و تمدن مشرق زمین. مطالعات ملی، ۲(۷).
- جاسبی، عبدالله (۱۳۶۱). اقتصاد. تهران: مرکز آموزش دولتی.
- حنا الفاخوری، خلیل جر (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی. ترجمه عبدالمحمد آیتی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی). چاپ یازدهم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: انتشارات روزنه، چاپ دوم، ج ۹.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). الامالی. قم: موسسه بعثت.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰۹). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲).
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴). تدوین و اعتلای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی. تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷-۱۶.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کینزلی، مایکل (۱۳۷۳). اقتصاد، دموکراسی آمریکا و دیکتاتوری چین. گزارش اردیبهشت، شماره ۳۹.
- گلن جانسون (۱۳۷۸). اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن. ترجمه محمدجعفر پوینده. نشر نی.
- گواین، شاکتی (۱۳۷۱). تجسم اخلاق، تجسم خلاق. ترجمه گیتی خوشدل، چاپ دوم.
- گواین، شاکتی (۱۳۷۳۹). زندگی در روشنائی. ترجمه مژگان بانو مومنی. انتشارات روزبهان.
- گودرزی، محمد (۱۳۸۴). بازارشناسی: مالزی. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۴، ص ۱۰۳-۱۰۴.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). بحار الانوار. قم: انتشارات اسلامی، چاپ چهل و پنجم، ج ۶۸، ۷۴.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). نشر جامعه‌شناسان.
- نخعی اغمیونی، منیژه؛ نجارزاده، رضا (۱۳۸۲). واژه‌های کلیدی اقتصاد خرد و کلان. تهران: شرکت نشر و چاپ بازرگانی، وابسته به مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۸). فلسفه‌های شرقی و حقوق بشر. تهران: انتشارات سروش.
- وال، ژان آندره؛ ورنو، روژه (۱۳۷۲). نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن. ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- Balboni, T.A., Vanderwerker, L.C., Block, S.D., Paulk, M.E. & et al. (2007). Religiousness and spiritual support among advanced cancer patients and associations with end-of-life treatment preferences and quality of life. *Journal of Clinical Oncology*, 25(5).
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), p.77-101.
- High performance, high pressure in South Korea's education system. ICEF.  
URL= <https://monitor.icef.com/2014/01/high-performance-high-pressure-in-south-koreas-education-system>.
- Muller, P.S., Plevak, D.J. & Rummans, T.A. (2001). *Religious involvement, spirituality, and*

*medicine: implications for clinical practice.* Mayo Clin Proc.

Scharf, B.R. (1973). *The Sociological study of Religion.* Hutchinson.

Scharf, B.R. (1973). *The Sociological study of Religion.* London: Hutchinson University Library.

Sikkink, K. (2011). *The Justice Cascade: How Human Rights Prosecutions Are Changing World Politics.* New York: W.W. Norton & Co.

*United Nations Convention against Corruption.* New York, 31 October 2003.